



در بعدی دیگر، ذیل باور طیفی از کارشناسان و ناظران امر، این سناریو بر اساس شرایط کنونی لبنان یک سناریوی غیرواقعی، غیرمنطقی و در عین حال رادیکال قلمداد می‌شود. چراکه هرگونه تلاش برای عبور از تعهدات توافق طائف آغازی بر تشتت سیاسی، هرج و مرج اجتماعی و در نهایت فروپاشی لبنان خواهد بود، اما به باور نگارنده همان‌گونه که در آغاز این نوشتار عنوان شد با وجود آنکه لبنان پویاترین دموکراسی را در میان کشورهای خاورمیانه دارد، اما به دلیل ساختار سیاسی مختص خود، ذیل تعدد و تکرر بافت طایفه‌ای و مذهبی عملاً این دموکراسی پویا هیچ‌گاه به بلوغ نرسیده است. چراکه نظام طایفه‌گرا، قومیت‌محور و مذهبی در لبنان تا کنون از جوابگویی به نیازهای فزاینده، روبه رشد و در عین حال پیچیده اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه لبنان عاجز بوده و در این بین، تعهدات توافق طائف در وزن‌دهی سیاسی ناموزون بر این عدم بلوغ دموکراسی لبنانی افزوده است.

طی سال‌های اخیر به کلیدی‌ترین پارامتر در تشدید فضای قطبیت‌زده لبنان و ایجاد سکون و بن‌بست سیاسی بدل شده است. برای جبران این نقیصه باید لبنان از وضعیت دراماتیک فعلی خود عبور کند. یعنی لبنان چاره‌ای جز اتخاذ تصمیمی راهبردی برای کنار گذاشتن تعهدات توافق طائف به عنوان منشأ و بستر شرایط فعلی تحولات این کشور ندارد و در ازایش بهترین گزینه، تلاش برای تشکیل احزاب جایگزین و مهمتر از آن تصویب قانون اساسی جدید برای حکمرانی با هدف تداوم حیات سیاسی لبنان خواهد بود.

در غیر این صورت لبنان کماکان با بن‌بست سیاسی و دور باطل برگزاری انتخابات دست به گریبان است، بدون آنکه خروجی این انتخابات بتواند تغییر ملموسی در زندگی مردم لبنان و برطرف کردن نیازهای آنان داشته باشد. اینجاست که لبنان باید پوسته دموکراسی فعلی را شکافته و با عمل جراحی به دنبال ایجاد شرایط و اقتضائات نوینی باشد. اگرچه

می‌تواند به تشتت سیاسی لبنان در دوران پیش از انتخابات دامن بزند؛ چراکه اهداف آشکار و پنهان این تصمیم در برهه زمانی فعلی تنها نشان از این دارد که امکان شکل‌گیری هر سناریویی در هفته‌ها و ماه‌های آتی، در زمان برگزاری انتخابات پارلمانی و حتی بعد از آن وجود دارد. لذا چه این کناره‌گیری حاصل برنامه‌ریزی ریاض باشد و چه آن را نتیجه خواست خود حریری بدانیم، بی‌شک نمی‌توان کناره‌گیری نخست‌وزیر پیشین لبنان و حزب متبوعش را با عینک مثبت ارزیابی کرد.

با وجود این حتی اگر سناریوی مشابه انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸ لبنان تکرار شود به نظر نمی‌رسد تغییر چشمگیری در معادلات سیاسی این کشور روی دهد. چراکه اساساً بزرگ‌ترین مانع بلوغ دموکراسی پویای لبنان به همان توافق طائف باز می‌گردد. به دیگر بیان، توافق طائف ضمن ایجاد گفتمان سیاسی بین اقوام و مذاهب لبنانی و شکل‌دهی دموکراسی در این کشور، اما در عین حال تعهدات همین توافق

لبنان به نوعی بلاتکلیفی دچار شده است، تشکیل دو کمپین «مقابله با بحران اقتصادی و معیشتی» و «مقابله با کمپین امریکایی» نشان می‌دهد حزب‌الله ضمن مانور سیاسی بر مشکلات جدی حوزه اقتصادی و معیشتی لبنان، در آن سو با اشراف بر تلاش محور مشترک ریاض - واشنگتن برای تغییر معادلات در انتخابات پارلمانی بر آن است که مانع از موفقیت محور یاد شده شود.

ناگفته پیداست که سفر اوایل این ماه هیأتی از وزارت خزانه‌داری آمریکا به ریاست «پل آهرین»، معاون اول وزیر خزانه‌داری ایالات متحده و مسئول مبارزه با تأمین مالی تروریسم و جرایم مالی این وزارتخانه و اریک مایر، معاون وی به لبنان و دیدار با «میشل عون» و «نجیب میقاتی»، حکایت از آن دارد که واشنگتن سعی دارد در وضعیت پادروای دولت لبنان خواست‌های خود را بر بیروت تحمیل کند؛ از تلاش برای اصلاحات مالی گرفته تا تغییر شرایط سیاسی این کشور در آستانه انتخابات. چرا آمریکا و عربستان با ابزارهای خود در داخل لبنان به دنبال کسب اکثریت پارلمانی جهت تشکیل دولت و انتخاب رئیس‌جمهوری است که در برابر حزب‌الله بایستد تا در نهایت زمینه را برای تضعیف و حذف یکباره جریان هشتم مارس فراهم کند.

با همه این تفاسیر، جریان ۱۴ مارس به خوبی می‌داند که جریان رقیب یعنی هشتم مارس و بخصوص حزب‌الله لبنان با قدرت وارد کارزار انتخاباتی شده‌اند. به هر حال برآیند شرایط چندماهه اخیر در لبنان نیز نشان از آن دارد که پایگاه اجتماعی مقاومت در مقایسه با سال ۲۰۱۸ تقویت شده است. یکی از علل و عوامل اصلی این مفروض به تلاش حزب‌الله در حوزه اقتصادی و تعدیل چالش‌های معیشتی مردم لبنان بازمی‌گردد. واردات بخشی از سوخت مورد نیاز لبنان با وجود مخالفت‌های دولت «میقاتی» و اعتراضات برخی احزاب و شخصیت‌های لبنانی به این کشور توسط حزب‌الله که مورد استقبال طیفی از جامعه لبنان قرار گرفت می‌تواند پارامتر مهمی در تشدید نفوذ اجتماعی حزب‌الله باشد. آن هم در شرایطی که دروتی شیا، سفیر ایالات متحده در لبنان بر انتقال انرژی از اردن و مصر به لبنان و تعیین پیش‌شرط‌هایی در این باره تأکید داشت.

با این عملکرد هشتم مارس و حزب‌الله به نظر می‌رسد که در آن سوی داستان نیز جریان ۱۴ مارس ضمن تأکید بر تعویق زمان برگزاری انتخابات با هدف کسب فرصت برای تغییر موازنه سیاسی - اجتماعی لبنان، سعی دارد فضای انتخابات را در مسیر پیچیده‌تری قرار دهد. در این رابطه کناره‌گیری غیرمنتظره سعد حریری و حزب المستقبل به عنوان کلیدی‌ترین مهره جریان ۱۴ مارس،

تشکیل دو کمپین «مقابله با بحران اقتصادی و معیشتی» و «مقابله با کمپین آمریکایی»

نشان می‌دهد حزب‌الله ضمن

مانور سیاسی بر مشکلات جدی

حوزه اقتصادی و معیشتی

لبنان، در آن سو با اشراف

بر تلاش محور مشترک ریاض - واشنگتن برای

تغییر معادلات در انتخابات

پارلمانی بر آن است که مانع از

موفقیت محور یاد شده شود.

